

مسیحیان سغدی و تُرک در دست‌نوشته‌های تورفان و دون‌هوانگ^۱

نیکلاس سیمز ویلیامز^۲

ترجمه از: پورچیستا گشتاسبی اردکانی^۳

چکیده

در پژوهش حاضر اطلاعات به دست آمده از دست‌نوشته‌های تورفان و دون‌هوانگ درباره مسیحیان سغدی و تُرک بررسی می‌شود. نسخه‌های خطی مسیحی مجموعه تورفان اکثراً از ویرانه‌های شوی‌پانگ در نزدیکی بولایق در شمال تورفان کشف شده‌اند. دومین و سومین هیأت‌های اعزامی تورفانی آلمان، کتابخانه کاملی از نسخ خطی تکه‌تکه شده در این مکان پیدا کردند که از نظر محتوایی یا به دلیل استفاده از خط سریانی، به عنوان متون مسیحی شناسایی شدند. زبان اصلی نسخه‌های خطی موجود، سغدی و سریانی است، اما چهل یا پنجاه قطعه به ترکی اویغور و همچنین بخش‌هایی از (کتاب) مزامیر به چند زبان دیگر یعنی یکی به فارسی میانه (به خط پهلوی)، یکی دوزبانه به خط سریانی و فارسی نو (به خط سریانی)، و حتی اولین سطر یک مزمور به زبان یونانی به عنوان توضیحی برای ترجمه آن به سغدی وجود دارد. تعداد بسیار کمی از متون مسیحی به زبان‌های سریانی، سغدی، ترکی و فارسی در سایر مکان‌های واحه تورفان، مانند آستانه، قوچو، قروتقا و تویوق کشف شده است. در این پژوهش نسخه‌های خطی از نظر محتوا و زبان و خطی که با آن نوشته شده است، مورد بررسی قرار گرفته است و اطلاعاتی که درباره مسیحیان سغدی و تُرک از این دست‌نوشته‌ها کشف شده، ذکر گردیده است.

واژه‌های کلیدی: مسیحیان سغدی و تُرک، دست‌نوشته‌های تورفان و دون‌هوانگ، خط سریانی، شوی‌پانگ، زبان سغدی.

^۱ نسخه انگلیسی تجدیدنظر شده و بسط‌یافته مقاله‌ای با عنوان Die chrislich-sogdischen Handschriften von Bulayiq (در مجموعه مقالات کنفرانسی که در می ۱۹۸۷ در برلین برگزار شد). به اختصارات زیر باید توجه داشت:

AoF= Altorientalische Forschungen

APAW/SPAW= Abhandlungen/Sitzungsberichte der Preußischen Akademie der Wissenschaften, Phil.hist. Klasse; BT XII= SIMS-WILLIAMS, 1985; DTS= SIMS-WILLIAMS-Hamilton, 1990; ST I= Müller, 1913; ST II= Müller-Lentz, 1934; STSC= Schwartz, 1967; UW= Röhrborn, 1977.

^۲ Nicholas Sims-Williams

^۳ دانشجوی دکتری زبان‌های باستانی ایران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱- مقدمه

پروفسور نیکلاس سیمز ویلیامز زاده ۱۱ آوریل ۱۹۴۹ در چاتهام، کنت انگلستان است که دوران مدرسه را در همین شهر پشت سر گذاشت. در سال ۱۹۷۰ در مقطع کارشناسی و در سال ۱۹۷۲ در مقطع کارشناسی ارشد در رشته مطالعات خاورمیانه از دانشگاه کمبریج فارغ‌التحصیل شد و در سال ۱۹۷۸ موفق به اخذ درجه دکترا از همین دانشگاه گردید. پروفسور سیمز ویلیامز، از سال ۱۹۷۵ تاکنون به عنوان پژوهشگر، مدرس زبان‌های ایرانی، مطالعات ایران و آسیای مرکزی، استاد مدعو و همینطور استاد افتخاری مطالعات ایران و آسیای میانه در کالج‌های گانویل و کایوس دانشگاه کمبریج و دانشگاه لندن مشغول فعالیت بوده است و در حال حاضر استاد دانشکده مطالعات مشرق زمین و آفریقا (SOAS)، دانشگاه لندن است. وی استاد پژوهش مطالعات ایران و آسیای میانه در بخش زبان‌ها و فرهنگ خاور نزدیک و خاورمیانه در این دانشگاه است. نیکلاس سیمز ویلیامز در کارنامه کاری خود، عضویت انجمن رایزنی روزنگار مطالعات ایرانی، همکاری با دانشنامه ایرانیکا، عضویت در آکادمی بریتانیا، آکادمی علوم اتریش، انجمن شرق شناسی آمریکا، انجمن فلسفی آمریکا، عضو کمیسیون مستقل بین‌المللی و ... را دارد. تخصص وی در تاریخ آسیای میانه است و به ویژه بر روی زبان‌های سغدی و بلخی مطالعه کرده است. از پروفسور سیمز ویلیامز، کتاب‌ها و مقالات متعددی به چاپ رسیده است. مقاله حاضر یکی از مقالات او است که نخست با عنوان "Die chrislich-sogdischen Handschriften von Bulayiq" در مجموعه مقالات کنفرانسی که در می ۱۹۸۷ در برلین برگزار شد به زبان آلمانی، و سپس با تجدید نظر و به صورت بسطیافته تحت عنوان "SOGDIAN AND TURKISH" مقاله حاضر یکی از "CHRISTIANS IN THE TURFAN AND TUN_HUANG MANUSCRIPTS" به زبان انگلیسی منتشر شده است.

۲- بحث و بررسی

اکثر نسخه‌های خطی مسیحی مجموعه تورفان از یک مکان واحد یعنی ویرانه‌های شوی‌پانگ در نزدیکی بولایق در شمال تورفان استخراج شده‌اند. در این مکان، دومین و سومین هیأت‌های اعزامی تورفانی آلمان، کتابخانه کاملی از نسخ خطی تکه‌تکه شده پیدا کردند که اکثر آنها به راحتی از نظر محتوایی یا به دلیل استفاده از خط سریانی به عنوان متون مسیحی قابل شناسایی بودند. زبان اصلی نسخه‌های خطی، سغدی و سریانی است، اما چهل یا پنجاه قطعه به ترکی اویغور و همچنین بخش‌هایی از (کتاب) مزامیر به چند زبان دیگر یعنی یکی به فارسی میانه (به خط پهلوی)؛^۲ یکی دوزبانه به خط سریانی و فارسی نو (به خط سریانی)؛^۳ و حتی اولین سطر یک مزمور به زبان یونانی به عنوان زیرنویس

^۱ نک به Le CoQ, 1926, p. 88.

^۲ ANDREAS-BARR, 1933.

^۳ Sundermann, 1974 a.

ترجمه آن به سغدی وجود دارد.^۱ تعداد بسیار کمی از متون مسیحی به زبان‌های سریانی، سغدی، ترکی و فارسی در سایر مکان‌های واحه تورفان، مانند آستانه، قوچو، قروتقا و تویوق کشف شد.

مایه تأسف است که هیچ متن مسیحی به زبان سغدی در خود سغد کشف نشده است، اگرچه بقایای مسیحی یافت شده در این منطقه حاوی مطالب مکتوب به زبان سریانی است، مانند گروهی از سنگ-نوشته‌های کوتاه که در نزدیکی ارغوت، در ۳۵ کیلومتری سمرقند یافت شده است و یک استراکون از پنجیکنت که مزمور ۱-۲ به عنوان تمرین نوشتن حک شده است. هر دو کلیساهای نسطوری و ملکیتی در قرن هشتم در سغد تأسیس شدند. به نظر می‌رسد که هیچ اشاره‌ای به ملکیت‌ها در ماوراءالنهر قبل از سال ۷۶۲ پس از میلاد وجود ندارد، زمانی که خلیفه المنصور کاتولیک ملکیت تیسفون و گروه او را به تاشکند آمنتقل کرد، اما در این زمان نسطوریان قبلاً به خوبی مستقر شده بودند یعنی استودان‌هایی که در سمرقند از زیر خاک درآورده شده و با صلیب‌های نسطوری و سایر نمادهای مسیحی تزیین شده را می‌توان بر اساس زمینه‌های باستان‌شناسی به قرن هفتم یا قبل از آن تاریخ‌گذاری کرد، در حالی که مقر اسقف‌نشین نسطوری سمرقند حداکثر تا اوایل قرن هشتم ایجاد شده بود.^۲ کلیسای نسطوری سمرقند برای قرن‌ها رونق داشت، همانطوری که توسط ابن حوقل^۳ در قرن دهم و توسط مارکوپولو در قرن سیزدهم شهادت داده شده است؛ سرانجام در قرن پانزدهم تحت آزار و اذیت آلیغ بیگ^۴ ویران شد.^۵

در همین حال به نظر می‌رسد مسیحیت توسط مهاجران سغدی به سمیرچیه منطقه‌ای در شمال شرقی سغد بین دریاچه بالکش و ایسیک‌کول منتقل شده است. چندین کتیبه سغدی در این منطقه یافت شده است، از جمله کتیبه‌ای که ریشه مسیحیت آن با وجود کلمات 'myn 'myn «آمین، آمین» و mlp'ny «آموزگار» مورد اطمینان است.^۶ نام این «آموزگار» مانند بسیاری از اسامی شخصی در کتیبه-های سغدی این منطقه ترکی است (Yaruq tegin" yrwxtkyn). در این مکان نیز مسیحیت برای قرن‌های متمادی زنده ماند، همان طوری که از گزارش ویلیام روبروک فرانسوی می‌دانیم که در اواسط قرن سیزدهم از این منطقه عبور کرد و از صدها سنگ قبر با کتیبه‌های سریانی و ترکی، که عمدتاً مربوط به قرن سیزدهم و چهاردهم میلادی در گورستان‌های نسطوری در نزدیکی توکماک و پیشپک

^۱ نک. به SIMS-WILLIAMS, 1981, p. 442.

^۲ نک به Dauvillier, 1953, pp. 63-64.

^۳ نک به J. Dauvillier, apud PELLIOT, 1973, pp. 118-119.

^۴ Ibn Hawqal

^۵ Ulugh Beg

^۶ برای بررسی دقیق‌تر تاریخ کلیسای سمرقند مراجعه کنید به

Colless, 1986, and SIMS-WILLIAMS, Christianity in Central Asia and Chinese Turkestan (forthcoming in Encyclopaedia Iranica).

^۷ حالت غیر مستقیم *mlp'n' = سریانی [malfānā] mlpn'. cfr. SIMS-WILLIAMS, 1988, p. 154. جایی که باید

این مثال اضافه می‌شد. برای متن کتیبه Livšic, 1981, p. 180.

(فرونزی کنونی) یافت شده است. با این حال، در این دوره همان طور که کتیبه‌های مقبره نشان می‌دهد، به نظر می‌رسد که جمعیت این منطقه به جای سغدی‌زبانان، بیشتر از ترک‌زبانان تشکیل شده بود. به احتمال زیاد برخی از اشکال ادبیات مسیحی باید به خاطر مسیحیان سغدی و سمیرچیه که بعید به نظر می‌رسید زبان سریانی را بفهمند، به سغدی ترجمه شده باشد، البته چنین متنی در هر دو منطقه کشف نشده است. جالب اینجاست که تنها گزارش مکتوب به زبان سغدی که تاکنون به جامعه نسطوریان سرزمین سغدی نسبت داده شده است، کتیبه کوتاهی است که در دوردست‌ها در لداخ^۱ یافت شده است که به تعبیر هنینگ، دیدار یک مسیحی از سمرقند در سفارتخانه‌ای از حاکم تبت، احتمالاً در سال ۸۴۱/۲ ثبت شده است.^۲ البته کتیبه مورد بحث، محتوای مذهبی ندارد و شناسایی نویسنده آن به عنوان یک مسیحی کاملاً به این فرض سؤال‌برانگیز بستگی دارد که نقاشی‌های صلیب‌های نسطوری در نزدیکی صخره باید به این کتیبه مرتبط باشد. شاید دلیل بهتری برای در نظر گرفتن کتیبه سغدی دیگری که هنوز منتشر نشده بر روی همان صخره به عنوان کار یک مسیحی وجود داشته باشد، همان طور که عبارت آن نشان می‌دهد: $wry\ trx'n\ pr\ \beta\gamma\gamma\ n'm\ 'yt'ym$ «من Uri tarxan، به نام خدا به اینجا آمده‌ام».^۳ اگرچه نویسنده نامی ترکی دارد، او نیز احتمالاً از سغد آمده است، که در آنجا در اوایل قرن هشتم مشخص است که مردم ویژگی ترکی بارزی داشتند.

به این شواهد حداقلی و نامطمئن برای استفاده از زبان سغدی توسط مسیحیان سغدی، می‌توان اطلاعات جالبی را اضافه کرد که توسط هتوم ارمنی ارائه شده است. او در سال ۱۳۰۷ در توصیف خوارزم نوشته است: «مردم این کشور به نام خوارزمیان شناخته می‌شوند؛ آنان بت‌پرست هستند و هیچ قانون یا نوشته‌ای برای خود ندارند. در این نواحی نوعی مسیحی زندگی می‌کنند که سغدی نامیده می‌شوند و خط و زبان خاص خود را دارند؛ عقاید آنان مانند یونانیان است و مطیع پدرسالار انطاکیه هستند. در کلیسا به طرق مختلف آواز می‌خوانند و مانند یونانیان جشن می‌گیرند، اما زبان آنان یونانی نیست».^۴ از ارجاعات به آیین یونانی و ایلخانی انطاکیه مشخص است که هتوم به ملکیت‌های خوارزم اشاره دارد که ما آنان را از البیرونی^۵ نیز می‌شناسیم. اما این بدان معنا نیست که او در اطلاعات کاملاً دقیقی که می‌دهد اشتباه می‌کند یعنی اینکه این مسیحیان، سغدی نامیده می‌شدند و آنان از زبان خود در عبادات استفاده می‌کردند. به نظر من بسیار محتمل به نظر می‌رسد که مسیحیان توصیف شده توسط هتوم از نوادگان ملکیت‌های تاشکند باشند که در آنجا زبان محلی را پذیرفته بودند و ممکن است نسل‌ها پس از مهاجرت مجدد به

^۱ Chwolson, 1890, 1897.

^۲ Müller, 1926. نسخه جدیدی از این و دیگر کتیبه‌های سغدی لداخ در حال آماده‌سازی است.

^۳ Hening, 1958, p. 54

^۴ در مورد اهمیت عبارت $pr\ \beta\gamma\gamma\ n'm$ «به نام خدا» نگاه کنید به DTS. pp. 39-40. برای استفاده uri «پسر» به عنوان نام شخصی، رجوع کنید به زیر، صفحه ۵۶، متن 1.7 A، و $B\bar{a}g\ U\bar{r}i$ در Hamilton, 1986, p. 166, no. 34, ll. 5 and 1.7. املا $w-$ (به جای $w-$) برای $u-$ اولیه به جای ترکی، سغدی است.

^۵ نگاه کنید به Pilliot, 1973, p. 117.

^۶ Al Beruni

خوارزم همچنان به عنوان سغدی شناخته شوند. اگر این فرض درست باشد، روایت هتوم شواهدی غیرمستقیم ارائه می‌دهد که نشان می‌دهد سغدی قبلاً توسط ملکیت‌ها در سغد به عنوان نیایش استفاده می‌شده است.

در واقع کتابخانه نسطوری بولاییق متنی دارد که شاید بتوان آن را به رابط ملکیت‌های سغدی نسبت داد. این قطعه منحصر به فردی است که قبلاً ذکر شد شامل اولین عبارت مزمور ۳۳ به زبان یونانی و ادامه آن به سغدی است. ترجمه سغدی تا حدی با یونانی هفت‌گانه مطابقت دارد، اما تأثیر نسخه پیشینا سریانی را نیز نشان می‌دهد. بعید است که این سند از نظر منشأ نسطوری باشد، زیرا دانش هفت‌گانه بیشتر به ملکیت‌ها اشاره دارد، تنها کلیسای سوریه‌ای که تاکنون از یونانی (در کنار سریانی) در مراسم عبادت استفاده کرده است. در غیاب شواهد دیگری مبنی بر وجود ملکیت در ترکستان چین، به احتمال زیاد این ترجمه در سرزمین سغدی انجام شده است که بدون شک سغدیان واحه تورفان با آن در تماس بوده‌اند.^۱

در سال ۱۹۰۵، هنگامی که دومین هیأت اعزامی آلمانی تورفان در بولاییق شروع به حفاری کردند، به وجود جوامعی از مسیحیان سغدی‌زبان در گذشته به شدت مشکوک شدند. اهمیت زبانی و ادبی کشف این مجموعه بزرگ از ادبیات مسیحی به زبان سغدی به سرعت تشخیص داده شد. در عرض چند ماه پس از کشف، ادوارد زاخاو قبلاً نمونه‌ای از این نوع جدید سغدی را به خط سریانی منتشر کرده بود؛^۲ بلافاصله پس از آن، مولر توانست شناسایی بخشی از عهد جدید را که به سغدی ترجمه شده بود، از نسخه سریانی پیشینا اعلام کند، او در مورد این نسخه چنین نوشت که «ما اکنون کلید سغدی را در این ترجمه‌های متون معروف مسیحی داریم».^۳

عبارات عهد جدید که توسط مولر شناسایی و به طور کامل در متون سغدی^۴ منتشر شد، همچنین قطعات اضافی که زوندلمان از آن زمان کار مولر را با آنها به پایان رساند، عمدتاً متعلق به لغت‌نامه‌هایی است که شامل بخش‌هایی از اناجیل و نامه‌های پولس است که برای خواندن در خدمات کلیسا تعیین شد. اکثر آنها دوزبانه هستند، اصل سریانی و ترجمه سغدی متناوب عبارت به عبارت، اما یک نسخه خطی که اتفاقاً بهترین نسخه حفظ شده است، به‌جز عنوان سریانی و عبارت مقدماتی هر قرائت، به طور کامل به زبان سغدی است.^۵ یک مورد ظاهراً استثنایی توسط یک جفت قطعه از یک صفحه ارائه شده

^۱ به نظر می‌رسد که حضور تکه‌هایی از پیش‌نویس نامه به زبان سریانی که ظاهراً خطاب به یکی از مقامات بیزانسی نوشته شده بود در بولاییق، نشانه دیگری از روابط دوستانه بین نسطوریان آسیای مرکزی و کلیساهای کلسدونی باشد.

^۲ E. Sachau

^۳ Sachau, 1905, pp. 973-978.

^۴ F. W. K. Müller, 1907, p. 260.

^۵ Soghdische Texte I

^۶ Sundermann, 1974, 1975, 1981.

^۷ پیشنهاد شده است که لکشنری‌های دوزبانه کاربرد دینی پیشین‌تری را نسبت به لکشنری تک‌زبانه سغدی نشان می‌دهند (ر.ک. زوندلمان، ۱۹۸۱، ص. ۱۶۹، با اشاره به باومستارک، ۱۹۲۱، ص. ۱۱). به هر حال، به نظر می‌رسد که هم زبان سنتی کلیسا و هم زبان بومی برای قرائت کتاب مقدس به کار می‌رفته است.

است که یک طرف آن آغاز انجیل مقدس متی به زبان سریانی و سغدی است و طرف دیگر خالی مانده است. این واقعیت نشان می‌دهد که قطعات متعلق به صفحه اول یک کتاب است، در این صورت نسخه خطی احتمالاً نسخه‌ای دوزبانه از انجیل (یا اناجیل) کامل بوده است تا یک کتاب لغت (= فهرست آیات انجیل) با این حال، ممکن است نویسنده این نسخه، صفحات اول و آخر هر پرسش را خالی گذاشته باشد، عملی که حداقل در یک نسخه خطی سریانی از بولاییق گواهی شده است.^۲ در آن صورت این قطعات نیز ممکن است متعلق به یک فهرست آیات انجیل باشند.

تنها کتاب عهد عتیق که می‌دانیم به سغدی ترجمه شده است، کتاب مزامیر است که قطعاتی از دو نسخه از آن در اختیار داریم. یک نسخه، قطعه‌ای با نقل قول یونانی است که من آن را به ارتباط با کلیسای ملکیت در سغد نسبت دادم. نسخه دیگر از پیشینتا ترجمه شده و اولین بیت هر مزمور را به زبان سریانی و سغدی آورده است.^۳ از آنجایی که این نسخه شامل سرفصل‌های شرق سوریه برای مزامیر نیز می‌شود، این نسخه خطی به وضوح منشأ نسطوری دارد.

جدای از این لغت‌نامه‌ها و مزمورها، نسخه خطی سغدی مسیحی بولاییق شامل تعداد اندکی از متون است که به نظر می‌رسد برای استفاده مذهبی در نظر گرفته شده است. نسخه سغدی از اعتقادنامه نیسن، که توسط مولر منتشر شده است، احتمالاً در مراسم مذهبی مورد استفاده قرار گرفته است، زیرا در همان نسخه خطی موجود در مزمور نسطوری است که توضیح داده شد.^۴ مارتین شوارتز در «مطالعات درباره مسیحیان سغدی» خود که هنوز منتشر نشده است، صفحه‌ای از «کتاب زندگی» را شناسایی کرده است که باید در کلیسا به مناسبت بزرگداشت درگذشتگان باایمان خوانده می‌شد.^۵ در نهایت می‌توانم به وجود ترجمه سغدی از سرود *Gloria in excelsis Deo* اشاره کنم که نسخه چینی آن در دون‌هوانگ یافت شد.^۶ این یکی از ویژگی‌های رسم میسیونر کلیسای نسطوری است که زبان سریانی همیشه به عنوان زبان اصلی مراسم عبادت حفظ می‌شد، زبان‌های مردم محلی فقط برای بخش‌های خاصی از خدمات مانند سرودها، مزامیر و قرائت‌های کتاب مقدس برای استفاده در مراسم مذهبی پذیرفته می‌شد.^۷ یقیناً زبان سریانی زبان اصلی مراسم عبادت در بولاییق بوده است، جایی که چندین مزمور سریانی، کتاب‌های سرود و کتاب‌های خدماتی یافت شده است.^۸ برخی از اینها دارای عباراتی به زبان سغدی

^۱ نک به Sundermann, 1981, p. 210.

^۲ همچنین قطعه T II B 18. همچنین قطعه T II B 26 (cfr. Sachau, 1905, pp. 970-973). که یک طرف آن شامل متن سریانی

ضربالمثل 9.14-10.12 و پیش‌نویس نامه ذکر شده در ج. ۱۵ بالا.

^۳ نک به Schwartz, 1974.

^۴ ST I, pp. 84-88; Schwartz, 1974, p. 257.

^۵ STSC, pp. 115-125.

^۶ C 19، منتشر نشده، به اشتباه توسط Hansen (1968, p. 98) به عنوان «آغاز سرود» توصیف شده است.

^۷ Moule, 1930, pp. 52-57.

^۸ نک به Hage, 1978.

^۹ نک به Sundermann, 1974a, p. 442; Sachau, 1905, pp. 964-973.

است^۱ که نشان می‌دهد قرن‌ها توسط اعضای جامعه محلی سغدی که در واحه تورفان تأسیس شده بود، و سغدی به مقام یک زبان محلی رسیده بود، کپی شده و مورد استفاده قرار گرفته‌اند. به همین ترتیب، ظاهراً در کنار زبان سریانی برای خواندن کتاب مقدس و خواندن سرودها و مزامیر استفاده می‌شد. بر خلاف زبان و خط سغدی، زبان فارسی میانه و خط پهلوی احتمالاً هرگز به میزان قابل توجهی برای مقاصد غیرمذهبی در منطقه تورفان (یا جایی فراتر از مرزهای امپراتوری ساسانی) استفاده نشده است. بنابراین تا حدودی شگفت‌انگیز است که شواهدی پیدا کنیم که در برخی از مراحل فارسی میانه باید توسط مسیحیان ترکستان چینی نیز در مراسم عبادت استفاده شده باشد. دو نشانه برای این امر، کشف مزمور پهلوی در بولاییق و استفاده از کلمه فارسی میانه paywāg در سغدی مسیحی به عنوان اصطلاح فنی برای پاسخ عبادی است. پیشینه فارسی جامعه بولاییق که اولاف هانسن^۲ بارها بر آن تأکید کرده بود، از دیگر وام‌واژه‌های فارسی میانه در سغدی که حتی اصطلاح خود مسیحی را نیز شامل می‌شود، مشهود است: trsq^۳، یعنی «کسی که از خدا می‌ترسد». همان طور که تا به حال شناخته شده است، کلیسای نسطوری در ایران مسلماً از فارسی میانه برای اهداف ادبی و مذهبی استفاده محدودی می‌کرد.^۴ به عنوان مثال، طبق تواریخ سیرت، معنای مسلم شیراز، کلان‌شهر ریو اردشیر در اواخر قرن پنجم، در میان دیگر آثار دیگر، «سرودها» (madrāše)، گفتارها (memre)، و پاسخ‌های (onyātā) را به زبان فارسی برای استفاده در مراسم مذهبی سروده است.^۵ یک قسمت مشخص از زندگی قدیس شرقی سوریه، جان دیلمی، که به اشکال مختلف به زبان‌های سریانی، عربی و سغدی موجود است، حاوی یک قسمت آشکار است که در ترجمه براک^۶ به آن اشاره می‌کنم: «اکنون برادران فارسی و سریانی‌زبان بر سر مراسم با یکدیگر دعوا کردند. پارسیان گفتند: همه ما باید دعاها را به زبان خود بخوانیم، چون در سرزمین پارسی زندگی می‌کنیم؛ در حالی که سریانی‌زبان‌ها می‌گفتند: پدر ما سریانی‌زبان است، پس باید به خاطر مؤسس صومعه، دعاها را به زبان خود بخوانیم؛ علاوه بر این ما نمی‌دانیم چگونه دعاها را به زبان فارسی بخوانیم».^۶ با این پیشینه، مزمور پهلوی یافت شده در بولاییق را می‌توان کالای وارداتی از کلیسای مادری در ایران و استفاده از زبان فارسی میانه برای بخش‌های عامیانه عبادت به عنوان ویژگی اولین دوره در تاریخ جامعه مسیحی در واحه تورفان دانست، قبل از اینکه سغدی به مقام زبان کلیسا ارتقا یابد.

از سوی دیگر، قطعه مزمور دوزبانه در سریانی و فارسی نو را باید محصول واحه تورفان یا دست کم ماوراءالنهر دانست، زیرا متن فارسی از حروف اضافی استفاده می‌کند که به الفبای سریانی در هنگام

^۱ (cfr. Sundermann, 1981, p. 170) همه منتشر نشده C9 + C 50 and C 43 + C43a

^۲ Hansen, 1966; 1968, p. 94; 1969.

^۳ نک به Baumstark, 1922, pp. 105, 114-115, 131, 206-207, 215; Hening, 1958, pp. 77-78; Brock, 1982, p. 18.

^۴ Scher, 1911, p. 117.

^۵ Brock

^۶ Brock, 1981-2, p. 150.

اقتباس برای نوشتن سغدی اضافه شده است.^۱ همین امر در مورد تنها متن تورفانی فارسی نو دیگر به خط سریانی که یک قطعه دارویی یافت شده در تویوق است نیز صدق می‌کند.^۲ این دست‌نوشته‌ها زودتر از پایان قرن نهم نیستند که در آن زمان فارسی نو در حال جایگزین شدن سغدی به عنوان زبان گفتاری سغد شد.^۳ همان طور که هنینگ پیشنهاد کرد، ممکن است سغدیان ترکستان چین نیز تحت تأثیر خویشاوندان خود در خانه شروع به استفاده از فارسی نو کرده باشند، اما به طور کلی، همان طور که خواهیم دید، به نظر می‌رسد که جمعیت سغدی به تدریج جذب اکثریت ترک‌زبان شد، و پس از یک دوره دوزبانگی، ترکی عمدتاً وظیفه سغدی را به عنوان زبان میانجی ترکستان چین به عهده گرفت. تا آنجا که میدانم، نسخه‌های خطی نسبتاً کم فارسی جدید که در واحه تورفان یافت شده است، به احتمال زیاد از غرب آورده شده‌اند، به احتمال زیاد از ماوراءالنهر، زادگاه زبان ادبی فارسی نو، که در این صورت، قطعه مزبور سریانی-فارسی نو را می‌توان نشانه دیگری از ارتباط بین مسیحیان بولایق و هم‌دینانشان در سغد دانست. نسخه‌های خطی سغدی بولایق شامل متون زیادی در مورد زهد و زندگی مذهبی است، در واقع به قدری زیاد که نمی‌توان از این نتیجه‌گیری اجتناب کرد که این محل سکونت صومعه بود. پندها، موعظه‌ها و رساله‌ها در مورد مسائلی مانند هفت ساعت متعارف نماز^۴ و فضیلت‌های کناره‌گیری از دنیا، خلوت، و تفکر خاموش در سلول خود، به وضوح خطاب به راهبان است تا افراد غیر روحانی.^۵ وجود تکه-های متعدد نسخه‌های سغدی از متون مانند پدران آپوفتگمات^۶؛ آنتی رتیکوس^۷؛ اواگریوس پونتیکوس^۸؛ آثار منسوب به ماکاریوس مصری و به ابا اشعیا^۹؛ و تفسیرهای دادیشوع قطرایا هر دو بر نوشته‌های ابا اشعیا^{۱۰} در «بهشت» “Nānišo”؛^{۱۱} حاکی از آن است که راهبان بولایق، راهبان و تنهایان صحرای مصر را نیاکان روحانی خود می‌دانستند.

^۱ نک به Hening, 1958, p. 79; Sundermann, 1974a, pp. 448-452.

^۲ T II Toyoq، منتشر نشده؛ cfr. Boyce, 1960, p. 130.

^۳ نک به Brock, 1981-2, p. 150; Hening, 1959, pp. 305-306; Lazard, 197۲، ۲.5 Brock،

T II؛ Hening, 1958, p. 79; Sundermann, 1974a, pp. 448-452. نک به

Toyoq، منتشر نشده؛ cfr. Boyce, 1960, p. 130؛ نک به Hening, 1959, pp. 305-306; Lazard, 197۲،

^۴ C85 (منتشر نشده، به نقل از سیمزویلیامز ۱۹۸۸، صفحه ۱۵۱، S.V. 'dn'؛ رجوع کنید به متون هفت ساعت متعارف منتشر نشده در

VööBUS, 1960, pp. 142, 157-158.

^۵ به عنوان مثال، BT XII, pp. 69-77 (در سه مرحله زندگی انفرادی)؛ STSC، صفحات ۱۴۵-۱۵۰ (توصیف شوارتز به عنوان

«گفتمانی علیه افکار شیطانی». به اصطلاح «قطعه دانبال» (ST II, pp. 532-534) ممکن است متعلق به اثری در مورد روزه باشد،

همان طور که برخی از قطعات دیگر از همان نسخه خطی نشان می‌دهند (ر. ک. Hansen, 1968, p. 98, no 13).

^۶ Apophthegmata Patrum

^۷ Antirrheticus

^۸ BT XII, pp. 124-136 و شاید p. 186 (قطعه B)؛ STSC, pp. 42-52.

^۹ BT XII, pp. 168-182.

^{۱۰} BT XII, pp. 165-167.

^{۱۱} BT XII, pp. 78-86؛ cfr همچنین یادداشت بعدی.

^{۱۲} در یک نسخه خطی منتشر نشده که شامل گزیده‌هایی از تفسیر 'Memre br Dādišo' دوم و چهاردهم اشعیا است.

همچنین می‌دانیم که حجم عظیمی از مجموعه آثار قدیس‌نگاری^۱ به سغدی ترجمه شده است، از جمله متون معروفی مانند «اعمال پطرس»^۲؛ افسانه‌های اختراع صلیب^۳ و خفتگان افسوس^۴؛ و شهادت سرگیوس و باکوس^۵؛ سیریاکوس و جولیتا^۶؛ یوستاتیوس^۷؛ و جورج^۸ که آخرین آنها در نهایت به ترکی نیز ترجمه شد^۹؛ در میان نسخه‌های خطی منتشر نشده سغدی از مجموعه تورقان نیز، همان طور که ورنر زوندرمان اشاره کرده است^{۱۰}، تعدادی از زندگی‌نامه افرادی مشاهده می‌شود که نقش مهمی در تاریخ رهبانیت داشتند، مانند زندگی سراپیون (در دو نسخه خطی)^{۱۱}؛ یوزنیوس^{۱۲}؛ و جان دیلمی^{۱۳}؛ زندگی جان دیلمی که دو خانقاه را در فارس بنا نهاد، یکی از چندین متون قدیس‌نگاری با فضای ایرانی است که از جمله آنها می‌توان به نقل قول‌های شهادی ایرانی شاپور دوم^{۱۴} و شهادت پتیون نیز اشاره کرد^{۱۵}؛ اما مهم‌ترین متن سغدی از این نوع قطعاً باید افسانه اسقف برشبا^{۱۶} و بشارت مرو باشد، زیرا اصل سریانی مانند ترجمه سغدی تنها از قطعات یافت‌شده در بولایق شناخته شده است^{۱۷}.

علاوه بر مجموعه آثار قدیس‌نگاری، پارسیان و آثار مربوط به مراسم عبادی که تاکنون ذکر شد، کتابخانه سغدی در بولایق طبیعتاً شامل متونی است که به راحتی قابل طبقه‌بندی نیستند یعنی «قانون-های رسولی»^{۱۸}؛ شرحی بر نمادگرایی غسل تعمید و مناجات عشای ربانی^{۱۹}؛ ترجمه موعظه‌های موزون سریانی^{۲۰}؛ مجموعه‌ای از معماهای مربوط به مضامین کتاب مقدس^{۲۱}؛ و غیره، در واقع تقریباً همه انواع متونی که انتظار می‌رود در کتابخانه یک صومعه نسطوری پیدا شود، با این حال، تقریباً کمبود اسناد

¹ Hagiographical literature

² ST II, pp. 528, 531.

³ ST II, pp. 513-521.

⁴ BT XII, pp. 154-157.

⁵ ST II, pp. 520-522.

⁶ T II B 60 N 13 (منتشر نشده).

⁷ BT XII, pp. 158-164.

⁸ Hansen, 1941 (cfr. also Benveniste, 1943-5; Gershevitch, 1946).

⁹ Bang, 1926.

¹⁰ W. Sundermann, *Byzanz und Bīlāyīq* (forthcoming).

¹¹ C3 (که از آن دو گزیده آورده شده است در ST I, pp. 34, 80-81) و C27.

¹² به طور نادرست توسط Hansen (1968, p. 96) به عنوان "Martyrium des Heiligen Miles".

¹³ نک به Sundermann, 1976.

¹⁴ BT XII, pp. 137-153; Schwartz,⁴1970, pp. 391-394.

¹⁵ BT XII, pp. 31-68, 185.

¹⁶ Baršabbā

¹⁷ ST II, pp. 523-528 (سغدی)، 559-564 (سریانی).

¹⁸ BT XII, pp. 101-109.

¹⁹ BT XII, pp. 110-120.

²⁰ BT XII, pp. 87-100 (یک یادداشت «درباره آخرین ساعت شیطانی» توسط (Bābay bar Nasibnāye)؛ ST II, pp.

"Ermahnungen zu christlicher Geduld" (535-538؛ شاید همچنین BT XII, pp. 121-123 «درباره

رحمت خدا بر خلقش»).

²¹ Sundermann, 1988.

عملی و عرفی وجود دارد. حداکثر می‌توان به یک نسخه پزشکی تکه تکه، متنی در مورد فال، یک قطعه تقویم، و فهرستی از اعداد به زبان سریانی و سغدی (که همه منتشر نشده است) اشاره کرد. این کمبود با توجه به این واقعیت که مواردی مانند نامه‌های خصوصی و اسناد اقتصادی بخش قابل توجهی از مجموعه بسیار کوچک‌تر دست‌نوشته‌های ترکی مسیحی را که در بولایق و در نزدیکی آن در محل کاملاً ترکی قروتقا یافت شده است، شگفت‌آورتر می‌کند.

با این مشاهدات می‌خواهم دو مورد دیگر را به هم بپیوندم. اولین مورد این است که برخی از اسناد سغدی حاوی اسامی اعضای جامعه مسیحی است، در حالی که بسیاری از این اسامی ترکی هستند، هیچ یک از آنها به طور قابل شناسایی سغدی نیست (به متن‌های A-D در پیوست زیر مراجعه کنید). دوم، درج حرف الف قبل از Γ آغازین، که پیوسته در نسخه خطی مسیحی از تیوبوق^۲ و گاه در متون بولایق^۳ یافت می‌شود، از ویژگی‌های معمول املا و تلفظ ترکی است.

در مجموع، این مشاهدات نشان می‌دهد که نویسندگان و خوانندگان نسخه‌های خطی مسیحی سغدی ممکن است در بسیاری از موارد ترک‌زبان بوده باشند. در مرحله پایانی وجود صومعه، که احتمالاً اسناد روزانه به آن تعلق دارند، احتمالاً ترکی زبان اصلی تجارت روزمره بوده است، اگرچه ظاهراً سغدی جایگاهی در کنار سریانی به عنوان زبان ادبیات و عبادت داشته است.

وجود جامعه دیگری از مسیحیان که احتمالاً دوزبانه سغدی و ترکی بودند، توسط گروهی از اسناد قرن ۹ تا ۱۰ از «غارهای هزار بودا» که چندین متون مسیحی به زبان چینی نیز در آن آشکار شده است، تأیید می‌شود.^۴ هیچ متن ترکی مسیحی در دون‌هوانگ یافت نشده است، و تنها نسخه خطی سغدی با محتوای مسیحی قابل تشخیص، قطعه کوچکی از متنی با خاصیت عوامانه است، یک کتاب پیشگویی از نوع معروف در غرب به عنوان *Sortes Apostolorum*.^۵ اما چندین متن غیر دینی سغدی از دون-هوانگ یا توسط مسیحیان نوشته شده است یا به مسیحیان از جمله کشیشان و راهبان اشاره می‌کند. یکی از این متون نامه‌ای است که توسط کشیشی به نام سرگیس (سرگیوس) نوشته شده است، که در یک پس‌نوشت، دوستی با نام ترکی *El Bars* را به مراقبت از راهب دیوید ستایش می‌کند. متن نامه عمدتاً مربوط به معاملات تجاری است، که در آن کشیش کاملاً مطابق با سنت‌های مردم سغدی که کسب و کار تجاری آنها زبانزد بود، مشارکت فعال دارد.^۶ دو سند سغدی دیگر از دون‌هوانگ ممکن است

^۱ برای بررسی کلی مراجعه کنید به Zieme, 1974 (cfr. also Zieme, 1977, 1981a).

^۲ C 33= T II T 21، منتشر نشده.

^۳ به عنوان مثال So. 12,700= T II B rmy (C1, II. 236 and A14; C3= T II B 13a, V29; در خط سغدی،

.ryncq (T II B 60 N 13, v9)، (28, R6

^۴ نک به Moule, 1930, pp. 52-64.

^۵ SIMS-WILLIAMS, 1976, pp. 63-65. نزدیک‌ترین متن مشابه با این نسخه خطی یک کتاب اوراکل ترکی است که در

بولایق یافت شده است، که برای آن مراجعه کنید به Le CoQ, 1909, pp. 1205-1208, Bang, 1926, pp. 53-64،

and Zieme, 1977.

^۶ DTS, text F (pp. 51-61, pl. 11-1

به دلیل استفاده از عبارت $pr \beta\gamma(?)y n'm$ «به نام خدا» به مسیحیان نسبت داده شود یعنی یکی دوباره یک سند تجاری است و دیگری صفحه آخر کتاب.^۱ در نهایت می‌توان به نامه دیگری اشاره کرد که در آن از چند نفر نام برده می‌شود که احتمالاً مسیحی هستند یعنی مخاطب که نام سریانی گیورگیس (جرج) را دارد، راهبی که ممکن است نامش به $(kwr'k?)$ سغدی، $(küräg?)$ ترکی یا $(kuang?)$ چینی تعبیر شود؛ و یک کشیش با نام سغدی $wanu-čor$ و عنوان سریانی $reš'ēdtā$ «بورسر، مباشر» (به معنای واقعی کلمه «رئیس کلیسا»)^۲. آمیختگی زبانی که با نام‌ها آشکار می‌شود به همان اندازه مشخصه خود متون است که عمدتاً به سغدی نوشته شده‌اند، اما با کلمات ترکی و چینی فراوان. نحو نیز شامل ساخت‌های غیرمعمول بسیاری است، با تکرار صورت‌های فعلی نامعین، که نشان می‌دهد نویسندگان، با وجود اینکه به سغدی می‌نوشتند، بیشتر به ترکی فکر می‌کردند.^۳ در این اسناد از دون-هوانگ، حتی واضح‌تر از اسناد سمیره‌چیپه و واحه تورفان، مسیحیان سغدی را می‌بینیم که در حال جذب شدن و در نهایت ناپدید شدن در میان جمعیت تورکوفونی هستند که آنها را احاطه کرده بودند. چند قرن بعد، هنگامی که مارکوپولو از حضور نسطوریان ترک در منطقه دون‌هوانگ یاد می‌کند،^۴ مردمی که به آنان اشاره می‌کند احتمالاً شامل فرزندان مسیحیان مربوط به این اسناد سغدی هستند.

پیوست

متون منطقه تورفان حاوی اسامی مسیحیان محلی

A) (T II B66 = C48)، از بولاییق، خط سریانی. پشت صفحه سفید. صفحه I را ببینید).

- 1 []•[]
- 2 []'(fr)ywn cn [nwr]
- 3 [qw 'y]qwn prm 'm[yn.]
- 4 '(s)γ^a (q)wlcwr.^b '•[•]•[]
- 5 'yšwγ. myxy xwt-(d)myš^c
- 6 'ngwdcyw'.^d twln c(w)r(.)
- 7 y'nn^c 'wry. 'pγ (ywhnn^f #)[]
- 8 [t]sγtm'n br'drt-(y)^g []

a من این مطالعه را مدیون دکتر پیتر زیم هستم؛ 'pγ مانند 1. 7 کاملاً بعید است.

¹ DTS, texts A and D (pp. 23-30, pl. 1-3, and pp. 39-40, pl. 8). cfr. above, p. 45 withfn. 13

² DTS, text G (pp. 63-67, pl. 13-16).

³ cfr. DTS, pp. 10-11.

⁴ Polo (ed. Benedetto), 1928, p. 44.

b حرف اول نقص دارد و **q** فقط حدس زده شده است (بیشتر شبیه **m**، **š**، **γ** یا **f** به نظر می‌رسد، اما هیچ یک از اینها قرائت قابل قبولی ارائه نمی‌دهند).

c نقطه یا لکه بزرگی روی حرف چهارم نشان‌دهنده **r** است، اما نقطه با اندازه معمولی زیر حرف نشان می‌دهد که واقعاً **d** است.

d از طرف دیگر، حرف دوم می‌تواند **y**، چهارمین **q** باشد.

e یا **y'c**؟

f انتهای **n** پایانی در زیر حروف قبلی قابل مشاهده است.

g یا **br'drt** + علامت نگارشی؟

«... برکت از [امروز] تا [آبد، آم‌ین]. **Asiḡköl-čor** (?), **Qut- (?) Myxy**, [...]-išo', **Abiḡ Yoḡannān**, **Y'nn** (?), **uri**, **Tolun-čor** (?), **Angud-žiwā**, **admīš** و همه برادران...»

از این اسامی که ظاهراً مربوط به راهبان بولاییق است، اکثریت آنها به وضوح ترکی هستند: **Abiḡ**، **Asiḡ**، **čor**، **köl** (?), **Tolun-čor**، **Qut-admīš**، **Uri**، **Yoḡannān** «جان» سریانی است، مانند **Išo'** که «عیسی» است، در اینجا شاید بخشی از ترکیبی باشد، که اولین عنصر آن ممکن است به همان اندازه غیر سامی باشد، مانند ترکیب مشترک ایرانی-سریانی دادیشوع **dādišo'** «داده شده به وسیله عیسی». برای **Angud-žiwā** (?) فقط می‌توانم یک تغییر بسیار گمانه‌زنی به عنوان نام پارتنی (=اشکانی) به معنای واقعی کلمه «ساکت زندگی کن!» ارائه کنم. **Myxy** و **Y'nn** (**Y'c**?) کاملاً مبهم هستند، اما به نظر می‌رسد که هیچ کدام سغدی نباشند.

B (قطعه بدون امضا، یافتن نقطه نامعلوم، خط سغدی. در طرف دیگر صفحه دعایی به خط سریانی آمده است. صفحه II را ببینید).

1. 'yny 'wmyštḡkyny mncky (m'cry?)
2. (pwst)[y] (?)

^۱ cfr. Radloff, 1928, p. 16, no. 14, 1. 5 (برای خوانش مراجعه کنید به Zieme, 1981, p. 92) و p. 117, no. 64, 1. 2 (در UW, p. 36).

^۲ cfr. Asiḡ Bolmiš apud Radloff, 1928, p. 100, no. 57, 1. 20 (در UW, p. 227).

^۳ در عنوان و نام عنصر **čor** نگاه کنید به DTS, p. 75. ترکیب **köl-čor** از دوره کتیبه‌های اورخون به بعد به خوبی گواهی شده است.

^۴ درباره **Tolun** «ماه کامل» به عنوان یک نام شخصی مراجعه کنید به Zieme, 1987, p. 82.

^۵ یک نام بسیار رایج، cfr. مراجع Asmussen, 1965, p. 250, n. 8 apud (به اضافه Zieme, 1981, p. 93, and Hamilton, 1986, p. 237).

^۶ cfr. fn. 13 در بالا.

^۷ یک نام چینی؟ یا یک شکل مصغر **Mikāel** "Michael" سریانی؟

«این (است) ... کتاب (?) Umiš-tegin».

نام صاحب کتاب به وضوح ترکی است، اگرچه عنصر قبلی (Umiš? یا ömiš) نامشخص است. با این حال، مسلم نیست که او یک مسیحی بوده است، زیرا لزوماً هیچ ارتباطی بین متون در دو طرف برگه وجود ندارد.

T II B28 = So.12,700) C، از بولایق، خط سغدی. در پای صفحه‌ای که حاوی اعتقادنامه نیسن است. رونوشت در (ST I, Pl. II).

δβ'mn x'twn

«خانم خاتون»

xatun ترکی قبلاً در واژه‌نامه ST I، ص. ۱۰۸. مشخص نیست که آن را باید به عنوان یک نام فهمید یا به عنوان یک عنوان (تقریباً مترادف با δβ'mn سغدی قبلی «خانم، همسر، بانو»).

D (موزه هنر هند، برلین، فهرست شماره III/365 = T II D416A، کتیبه‌ای روی گچ از Qočo، خط ۲ به خط سغدی، بقیه به سریانی. منتشر شده، بدون رونوشت، در DST، ص. ۳۸).

1 (')yny (••')r(•••••')r

2 'lp •••••••

3 pr()wyspw()nm'cy šy'

4 qty wb't 'myn w'myn

«این [است] یادبودِ (?) آلپ ... در هر عبادتی (او) گرامی باد، آمین، آمین».

عنصر نام Alp «شجاع، قهرمان» البته ترکی است، واقعیتی که در اینجا با استفاده از خط سنتی سغدی یا اویغوری (به جای سریانی) برای نوشتن نام مورد تأکید قرار گرفته است.



Plate I. C 48 - T II B 66. Akademie der Wissenschaften der DDR, Zentralinstitut für Alte Geschichte und Archäologie.



Plate II. Fragment without signature. Akademie der Wissenschaften der DDR, Zentralinstitut für Alte Geschichte und Archäologie.

BIBLIOGRAPHY

- ANDREAS F. C., and BARR K., 1933. *Bruchstücke einer Pehlevi-Übersetzung der Psalmen*, «SPAW» 1933, no. 1.
- ASMUSSEN J. P., 1965. *X^aästvānist*, *Studies in Manichaeism*, Copenhagen.
- BANG W., 1926. *Türkische Bruchstücke einer nestorianischen Georgspassion*, «Le Muséon» 39, pp. 41-75.
- BAUMSTARK A., 1921. *Nichtevangelische syrische Perikopenordnungen des ersten Jahrtausends*, Münster in Westfalen.
- 1922. *Geschichte der syrischen Literatur*, Bonn.
- BENVENISTE E., 1943-'5. *Fragments des Actes de Saint Georges en version sogdienne*, «Journal Asiatique» 234, pp. 91-116.
- BOYCE M., 1960. *A catalogue of the Iranian manuscripts in Manichean script in the German Turfan collection*, Berlin.
- BROCK S. P., 1981-'2. *A Syriac life of John of Dailam*, «Parole de l'Orient» 10, pp. 123-189.
- 1982. *Christians in the Sasanian empire: a case of divided loyalties*, «Studies in Church history» 18, pp. 1-19.
- CHWOLSON D., 1890. *Syrisch-nestorianische Grabinschriften aus Semirjetschie (Mémoires de l'Académie Impériale des Sciences de St.-Petersbourg, 7th ser., XXXVII/8)*, St.-Petersburg.
- 1897. *Syrisch-nestorianische Grabinschriften aus Semirjetschie, Neue Folge*, St.-Petersburg.
- COLLESS B. E., 1986. *The Nestorian province of Samarkand*, «Abr-Nahrain» 24, pp. 51-57.
- DAUVILLIER J., 1953. *Byzantins d'Asie centrale et d'Extrême-Orient au Moyen Âge*, «Revue des études byzantines» 11, pp. 62-87.
- GERSHEVITCH I., 1946. *On the Sogdian St. George Passion*, «Journal of the Royal Asiatic Society» 1946, pp. 179-184.
- HAGE W., 1978. *Einheimische Volkssprachen und syrische Kirschensprache in der nestorianischen Asienmission*, in *Erkenntnisse und Meinungen*, II (ed. G. Wiessner), Wiesbaden, pp. 131-160.
- HAMILTON J., 1986. *Manuscrits ouïgours du IX^e-X^e siècle de Touen-houang*, Paris.
- HANSEN O., 1941. *Berliner soghdische Texte I*, «APAW» 1941, no. 10.
- 1966. *Über die verschiedenen Quellen der christlichen Literatur der Sogder*, «Acta Orientalia» 30, pp. 95-102.
- 1968. *Die christliche Literatur der Sogdier*, in *Handbuch der Orientalistik* (ed. B. Spuler), I/IV/2/1, Leiden-Cologne, pp. 91-99.
- 1969. *Der Anteil der Iranier an der Ausbreitung des Christentums nach Zentralasien*, in *Zeitschrift der Deutschen Morgenländischen Gesellschaft*,

- Supplementa I, XVII. Deutscher Orientalistentag, Vorträge* (ed. W. Voigt), Teil 3, Wiesbaden, pp. 1032-1035.
- HENNING W. B., 1958. *Mitteliranisch*, in *Handbuch der Orientalistik* (ed. B. Spuler), I/IV/1, Leiden-Cologne, pp. 20-130.
- 1959. *Die älteste persische Gedichthandschrift: eine neue Version von Barlaam und Joasaph*, in *Akten des XXIV. internationalen Orientalisten-Kongresses München 1957*, Wiesbaden, pp. 305-307.
- LAZARD G., 1975. *The rise of the New Persian language*, in *The Cambridge History of Iran*, IV (ed. R. N. Frye), London, pp. 595-632.
- LE COQ A., 1909. *Ein christliches und ein manichäisches Manuskriptfragment in türkischer Sprache aus Turfan (Chinesisch-Turkistan)*, «SPAW» 1909, no. 48.
- 1926. *Auf Hellas Spuren in Ostturkistan*, Leipzig.
- LIVŠIC V. A., 1981. *Sogdijcy v Semireč'e: lingvističeskie i èpigrafičeskie svidetel'stva*, in *Pis'mennye pamjatniki i problemy istorii kul'tury narodov vostoka, XV godičnaja naučnaja sessija LO IV AN SSSR (doklady i soobščeniija) dekabr' 1979 g.*, I/2, Moscow, pp. 76-85.
- MARÓTH M., 1985. *Ein Brief aus Turfan*, «AoF» 12, pp. 283-287.
- MOULE A. C., 1930. *Christians in China before the year 1550*, London.
- MÜLLER F. W. K., 1907. *Neutestamentliche Bruchstücke in soghdischer Sprache*, «SPAW» 1907, pp. 260-270.
- 1913. *Soghdische Texte I*, «APAW» 1912, no. 2 (= ST I).
- 1926. *Eine soghdische Inschrift in Ladakh*, «SPAW» 1925, pp. 371-372.
- and LENTZ W., 1934. *Soghdische Texte II*, «SPAW» 1934, no. 21 (= ST II).
- PELLIOT P., 1973. *Recherches sur les Chrétiens d'Asie centrale et d'Extrême-Orient*, [I.] Paris.
- POLO, Marco, 1928. *Il Milione* (ed. L. F. Benedetto), Florence.
- RADLOFF W., 1928. *Uigurische Sprachdenkmäler*, Leningrad.
- RÖHRBORN K., 1977 -. *Uigurisches Wörterbuch, Sprachmaterial der vorislamischen türkischen Texte aus Zentralasien*, Lieferung 1 -, Wiesbaden (= UW).
- SACHAU E., 1905. *Litteratur-Bruchstücke aus Chinesisch-Turkistan*, «SPAW» 1905, no. 47, pp. 964-978.
- SCHER A., 1911. *Histoire nestorienne (Chronique de Séert)*, II/1 (*Patrologia Orientalis*, VII/2), Paris.
- SCHWARTZ M., 1967. *Studies in the texts of the Sogdian Christians*, PhD thesis, Berkeley (= STSC).
- 1970. *Miscellanea iranica*, in *W. B. Henning memorial volume*, London, pp. 385-394.
- 1974. *Sogdian fragments of the Book of Psalms*, «AoF» 1, pp. 257-261.

- SIMS-WILLIAMS N., 1976. *The Sogdian fragments of the British Library*, «Indo-Iranian Journal» 18, pp. 43-82.
- 1981. *Syro-sogdica I: an anonymous homily on the three periods of the solitary life*, «Orientalia Christiana Periodica» 42, pp. 441-446.
- 1985. *The Christian Sogdian manuscript C2 (Berliner Turfantexte, XII)*, Berlin (= BT XII).
- 1988. *Syro-Sogdica III: Syriac elements in Sogdian*, in *A green leaf, Papers in honour of Professor Jes P. Asmussen (Acta Iranica, XXVIII)*, Leiden, pp. 145-156.
- and HAMILTON J., 1990. *Documents turco-sogdiens du IX^e-X^e siècle de Touen-houang*, London (= DTS).
- SUNDERMANN W., 1974, 1975, 1981. *Nachlese zu F. W. K. Müllers 'Soghdischen Texten I', 1.-3. Teil*, «AoF» 1, pp. 217-255; 3, pp. 55-90; 8, pp. 169-225.
- 1974a. *Einige Bemerkungen zum syrisch-neupersischen Psalmenbruchstück aus Chinesisch-Turkistan*, in *Mémorial Jean de Menasce* (ed. Ph. Gignoux and A. Tafazzoli), Louvain, pp. 441-452.
- 1976. *Ein Bruchstück einer soghdischen Kirchengeschichte aus Zentralasien?*, «Acta Antiqua Academiae Scientiarum Hungaricae» 24, pp. 95-101.
- 1988. *Der Schüler fragt den Lehrer. Eine Sammlung biblischer Rätsel in soghdischer Sprache*, in *A green leaf, Papers in honour of Professor Jes P. Asmussen (Acta Iranica, XXVIII)*, Leiden, pp. 173-186.
- VÖÖBUS A., 1960. *Syriac and Arabic documents regarding legislation relative to Syrian asceticism*, Stockholm.
- ZIEME P., 1974. *Zu den nestorianisch-türkischen Turfantexten*, in *Sprache, Geschichte und Kultur der altaischen Völker* (ed. G. Hazai and P. Zieme), Berlin, pp. 661-668.
- 1977. *Zwei Ergänzungen zu der christlich-türkischen Handschrift T II B 1*, «AoF» 5, pp. 271-272.
- 1978, 1981. *Materialien zum uigurischen Onomasticon I-II*, «Türk Dili Araştırma Yıllığı-Belleten» 1977, pp. 71-84; 1978-'79, pp. 81-94.
- 1981a. *Ein Hochzeitssegen uigurischer Christen*, in *Scholia, Beiträge zur Turkologie und Zentralasienkunde Annemarie von Gabain ... dargebracht ... (Veröffentlichungen der Societas Uralo-Altaica, XIV)*, Wiesbaden, pp. 221-232.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

سازمان اسناد و کتابخانه ملی

.....